گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۵۱۴۷
شنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۰ ۸:۳۸

یادداشتی از سام صالحی بختیاری؛

نظام آموزشی چگونه احمق‌پروری می‌کند؟

اواسط بهمن‌ماه بود؛ امتحانات نوبت اول برگزار شده و حالا نوبت کارنامه‌هاست. به‌قول یکی از معلم‌ها آن روز یوم‌الحساب بود. نمره‌های درخشان رسید، ریاضی و فیزیک ۱۶ اما ادبیات و نگارش ۲۰! طبیعی هم بود، آنقدر به ادبیات علاقه داشتم که بدون مطالعه برای امتحان بالاترین نمره را کسب کردم اما با تمام وجود از ریاضی و فیزیک متنفر بودم و از دوهفته قبل از امتحان عزا می‌گرفتم، انگار من این‌کاره نبودم. خودم از نتیجه راضی بودم ولی دیگران نه!

به گزارش خبر، سام صالحی بختیاری کارشناس و فعال رسانه در یادداشتی ارسالی به پایگاه خبری گزارش خبر با موضوع " نظام آموزشی چگونه احمق‌پروری می‌کند؟" آورده است:

معلم‌ها گفتند باید بیشتر تلاش کنی، معاون مدرسه هم توصیه به گرفتن معلم خصوصی کرد و معلم خصوصی هم گفت ان‌شاءالله اگر دل به کار بدهی، علاوه‌بر امتحانات مدرسه می‌توانی در کنکور هم درصدهای بالایی کسب کنی اما هیچ‌یک از آنها به من نگفت که جوان! تو در ادبیات توانمندی، در آینده می‌توانی شاعر، نویسنده یا منتقد ادبی و... بشوی.

برخلاف من اما دانش‌آموز دیگری بود که برنده تورنمنت‌های ریاضی بود اما نمره ادبیاتش ۱۰ بود. معلم‌ها به او می‌گفتند حیف تو نیست که در ادبیات مشکل داری؟ بهتر است کلاس خصوصی بگیری و ادبیاتت را قوی کنی.

در این بین ما دو نفر به هم وصل شدیم. قرار شد او در ریاضی به من کمک کند و در عوض من هم به او ادبیات بیاموزم ولی ممکن نبود، چون همان‌طور که من در ریاضی لنگ می‌زدم او هم توانایی درک ادبیات و آفرینش ادبی نداشت، برخلاف ما دو نفر دانش‌آموز دیگری بود که هم در ریاضی و فیزیک و هم در ادبیات و کلا همه دروس مشکل اساسی داشت اما اعجوبه ورزش بود.

برخلاف ما دونفر که کمی تپل بودیم، او یک ورزشکار تمام‌عیار بود. قهرمان شنا، فوتبال، والیبال و ... او هم برای درس ساخته نشده بود، همان‌طور که ما توانایی ورزش حرفه‌ای نداشتیم ولی سیستم آموزشی می‌خواست همه ما مثل هم شویم و این یعنی کشتن استعداد و علاقه‌های دانش‌آموزان، یعنی تبدیل‌کردن آنها به ربات‌های افسرده‌ای که فقط بلدند تست بزنند اما مهارت‌های زندگی نمی‌دانند.

نرمالایزسازی دانش‌آموزان بزرگ‌ترین ایراد نظام آموزشی ماست و بدتر از آن آماده‌کردن همه دانش‌آموزان با استعدادها و توانمندی‌های مختلف برای سنجش با یک معیار به نام کنکور که نتیجه همه اینها احمق‌پروری نظام آموزشی و بیکاری تعداد زیادی از افراد تحصیلکرده است.

چرا یک نفر به دانش‌آموزان نمی‌گوید که همه‌چیز این کتاب و دفتر نیست؟

چرا یک نفر نمی‌گوید که ما فقط دکتر و مهندس نمی‌خواهیم، جامعه به شاعر، نقاش، کارگردان، فوتبالیست و ... هم نیاز دارد؟

ما دانش‌آموزان ۱۲ سال در مدارس درس می‌خوانیم ولی مهارت زندگی بلد نیستیم، ۲۰ اتحاد ریاضی را حفظیم ولی بلد نیستیم دکمه پیراهنمان را بدوزیم، آرایش‌الکترونی تمام عناصر را حفظیم ولی نمی‌توانیم از حق خود دفاع کنیم، تمام قواعد عربی را حفظیم ولی از اقتصاد، هنر و سیاست بی‌خبریم، زندگی‌نامه بیش از ۱۰۰ نویسنده، دانشمند، شاعر و سیاستمدار را حفظیم ولی از زندگی آنها درس نگرفته‌ایم، همه‌چیز را حفظیم ولی مشکل اینجاست که چیزهای واقعی زندگی را درک نکردیم و هیچ مهارتی هم نداریم!